گفت‌وگو با دکتر امیراسماعیل آذر درباره نقش زبان در فرهنگ جوامع بشری

شکوه اعجاز آمیز زبان فارسی

مسعود کیمیایی، ابراهیم حاتمی‌کیا، حمید نعمت‌ا... و محمدحسین مهدویان

جنگ ستارگان پشت دوربین

پایان مهلت نام‌نویسی سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر نشان داد که در این دوره باید منتظر رقابت بزرگان سینمای ایران باشیم

یادداشت:
صابر محمدی
روزنامه‌نگار

یکتایی با بیژن الهی توی کیف!

یاد نهم آذر سال ۸۹ افتادم. آن روز خبر مرگش در حالی به دستم رسید که «اشراق‌ها»ی آرتور رمبو با ترجمه او توی کیفم بود و قرار بود یادداشتم درباره‌اش را تمام کنم. خرافاتی نبودم اما خب تلخی این موازنه و انطباق، تا مدت‌ها چسبیده بود بیخ گلویم؛ این‌که درست در همان روز رجوعم به بیژن الهی، نقطه ارجاع، مرگ را نیز با خود برداشته و آورده بود به آوردگاه شاعر و او را با خود برده بود. خرافه سق سیاه از این رو رهایم نمی‌کرد که الهی، شاعری نبود که مورد ارجاع مدام شعردوست‌ها باشد و بتوانم خیال خودم را راحت کنم که این اتفاق، یعنی آن «اشراق‌ها»ی توی کیفم، مبنایی عادی در روند مطالعاتی داشته است و مرگ شاعر، محصول پرواز مغناطیس‌هایی از کیف من تا خیابان شیراز نبوده است، جایی که پیکرِ لحظاتی پیش از مرگ او به بیمارستان نمی‌رسید...

اینها را گفتم تا بگویم دیروز هم آن وهم سراغم آمد. این بار با این‌که مورد، عجیب‌تر از ماجرای موازنه بیژن الهی توی کیفم با مرگ بود، نگذاشتم آن خرافه دامانم را بگیرد. سر ظهر، علی مظاهری در حال انتخاب تصاویری بود مرتبط با گفت‌وگویی که با قباد شیوا ترتیب داده بود. پیشنهاد دادم در صفحه گفت‌وگو، که همین امروز در صفحه ۲۰ روزنامه می‌توانید بخوانیدش، تصویر طرحی را که شیوا برای جلد کتاب شعر منوچهر یکتایی رقم زده هم بگنجاند.

گفت‌وگو را صفحه‌آرایی کردیم و در شرح آن تصویر نوشتیم: طراحی قباد شیوا برای جلد کتاب «کارنامه سیمرغ» منوچهر یکتایی. از کجا می‌دانستیم ساعتی بعد دوباره باید برویم پای صفحه‌آرایی تا قید «زنده‌یاد» را بگذاریم پشت اسم یکتایی؟ خبر آمد که آقای نقاش. و البته برای من شاعری شگفت. در ۹۷ سالگی و در آمریکا درگذشته است. آدم در سال چندبار ممکن است به منوچهر یکتایی، آن هم به شعر او فکر کند؟ بی‌تردید خیلی کمتر از احتمال آن که کتابی از بیژن الهی توی کیفت باشد. نه! این بار قرار نبود تن بدهم به سق سیاهم. به قول مجتبا هوشیار محبوب، که گزارشی دقیق درباره شعرهای او نوشت و منتشر کرد، منوچهر یکتایی نماینده اکسپرسیونیست‌ها در تیم شعر مدرن ایران بود. او که روزی نام یکی از شعرهایش را گذاشت: «دربیان رخنه حسی و جسمی مسافر با راه و زمزمه‌ای در جدا ماندن از اجزای نباتی و حیوانی».

منوچهر یکتایی با بیژن الهی؛ یکی نقاشی که شعر هم می‌نوشت و دیگری برعکس!

علی مظاهری
روزنامه‌نگار

گفت‌وگو با دکتر امیراسماعیل آذر درباره نقش زبان در فرهنگ جوامع بشری

شکوه اعجاز آمیز زبان فارسی

آن‌چه که فراروی شماست گزیده‌ای است از گفت‌وگویی با دکتر امیراسماعیل آذر درباره پیشینه زبان فارسی و استمرار آن، آسیب‌های احتمالی و مشکلات فراروی پیشبرد و پیشرفت زبان مادری از سویی و از دیگرسو کوشش‌هایی که در صداوسیما پیرو سخنان مقام معظم رهبری در لزوم پاسداشت میراث معنوی زبان فارسی در جریان است.

عکس: جام جم

جامعه فارسی‌زبان، چنانچه برای پاسداشت زبان فارسی کاری بنیادین نکنند به زعم مقام معظم رهبری این میراث معنوی ما آسیب‌های اساسی خواهد دید. دکتر امیر اسماعیل آذر با این گزین‌گویه یادی کرد از دوران نه‌چندان دور اقتدار و شکوه زبان فارسی که روزگاری زبان فارسی از کرانه‌های قسطنطنیه تا فرارودان (ماوراءالنهر) تا شرق دور، از دربار مصر تا دربار چین سایه گسترده بود (مثلا نامه تیمور گورکانی ترک مغول‌نژاد به حاکم عرب مصر به زبان فارسی است) ابن بطوطه جهانگرد در دریای چین، غزل سعدی می‌شنید و ولی‌عهد چین به تسلط بر فارسی و خواندن اشعار شیخ اجل مباحات می‌کرد. سید اسماعیل جرجانی (گرگانی) در ولایت خوارزم به فارسی، ذخیره خوارزمشاهی می‌نوشت و به شعر حافظ شیراز، سیه‌چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی می‌نازیدند و دست‌افشانی می‌کردند و اوج سخنش چنان بود که زمزمه‌های عرشی (به قول خودش) خبر می‌داد که «گویی قدسیان نیز شعر حافظ از بر می‌کنند». حسن دهلوی و امیرخسرو پیرو نظامی حمزه و... می‌نوشتند. بیدل ابوالمعانی با طرحی نو درانداختن در پارسی‌سرایی، مولانای دیگری بر چکاد سلسله جبال سرفراز سخن پارسی برآورد. در قونیه (مرز و برزن شرقی بلاد روم در آن زمان) مولوی بلخی با یارمرا غار مرا... بی‌تو به سر نمی‌شود... غلغله در قدسیان می‌افکند هم او که اوج آواهای سحرانگیز زبان فارسی را تا سپهر اعجاز فرابرد...

تازه! این بخشی از روزگاران فرهنگ‌های پارسی‌زبان است تا همین چندی پیش در اقصای چین هنوز حافظ‌خوانی رواج داشت (ر.ك.گزارش کنگره جهانی حافظ) و در روستاهای هند نسل میانسال به پارسی سخن می‌گفت‌گو این که تا چند دهه پیش زبان شبه‌قاره فارسی بود.

بلای استعمار نو بر سر زبان

کافی است سازوکار استعمار نو را در نظر داشته باشید با اندك پژوهشی درمی‌یابید تاکجا هنوز هم پس از چهاردهه استعمارستیزی، زیر نفوذ این سلطه شوم هستیم؛ به گفته دکتر امیراسماعیل آذر، امروزه دانشجو حتی در رشته زبان و ادبیات فارسی برای این که به مرتبه استادی برسد باید به زبان انگلیسی مقاله بنویسد و در مجله انگلیسی‌زبان چاپ کند! از این رو می‌توان انگاشت استعمار در جزیی‌ترین و گاه مهم‌ترین شیوه‌های زندگی علمی و اجتماعی و... ما حضور و تاثیر جدی و بلامنازعی دارد، در حالی که این حضور و نهاده‌های استعماری از سوی دیگر غفلت سراسری، چنان وسیع و عمیق است که به خاطر استمرار زیاد و عادت‌شدگی حتی حس نمی‌شود و به چشم نمی‌آید.

دکتر آذر دوران ویکتوریا را فرایاد می‌آورد که تمام دانشمندان و نویسندگان و فرهیختگان قرن ۱۹ اروپا تحت تاثیر و ملهم از شرق به ویژه ایران بودند؛ مثلا ویکتورهوگو (پیشرو رمانتی سیسم ها) آرزو کرد: «کاش در سرزمین خسروها به دنیا می‌آمدم».

مولوی و سعدی، از دیروز تا امروز

بی گمان هنوز هم فرهنگ مادری ما می‌تواند تاثیرگذار باشد و برای جهان حرف‌ها داشته باشد به یاد بیاوریم که همین یکی دو دهه پیش «کلمن بارکس» برپایه ترجمه «آلبری» مولوی بلخی را برای آمریکایی‌ها آن هم به انگلیسی ساده بازنوشت چه غوغایی کرد پرتیراژیش شگفت انگیز شد و... در این باره امیراسماعیل آذر گوش زد می‌کند: آیا سخنان مولوی جز تمسك به مفاهیم قرآنی است، مگرنه این که سخن رومی برگرفته از شکوه حکمت معنوی ایرانیان است؟ «آندره دوریه» ۱۶۴۳م گلستان سعدی را که ترجمه کرد این متن، اروپا را زیر سلطه معنوی خود درآورد تا جایی که رئیس جمهور وقت فرانسه نام سعدی را عنوان/لقب خود قرار داد. «امرسون» اندیشگر در سفر به اروپا جسته‌گریخته با سپهر شگرف حافظ آشنایی یافت، پس آنگاه در آمریکا مکتب تعالی‌گری را زیر سایه پررنگ نگره‌های این شاعر بزرگ دایر کرد. خیلی‌ها! شاعران بزرگ اروپا (گوگول و..) یا فلاسفه آلمان که تاثیرگرفتن شان از ایران اظهرمن الشمس است (نیچه و...) «امیلی دیکنسون» و «والت ویتمن» و... چنان شیفته زبان فارسی شدند که عمری را بر سر آن نهادند. «گوته» هرچند فارسی نمی‌دانست ولی از لابلای ترجمه‌های عموما نارسای «هردر ۱۸۱۲»، اشله گل، روکرت» با حافظ که آشناشد کتابی نوشت مربوط به شرق، خاصه ایران و به ویژه حافظ؛ گوته که ناپلئون را تحت تاثیر قرار داده بود این چنین به حافظ می‌نگریست فرازی از کتاب غربی‌شرقی‌اش را بازبخوانیم و سخن، دیگرکنیم: ای حافظ! ای شاعر آسمانی! تو چونان کشتی اقیانوس پیمایی و من همانند تخته‌پاره‌ای به دنبال این کشتی. این مشت بود در نمای درشت.

نشانگر توانایی‌های گسترده فارسی و تپش مؤثر، زنده و سازنده آن را می‌توان از این نکته‌نگره دکتر آذر به روشنی دریافت: در کنار تاریخ کهن زبان فارسی، در طول بیش از هزارسال در کشور ما زبان‌های عربی و ترکی و ترکی مغولی رایج بوده در سه سده نخست هجری که زبان عربی مرسوم بود با یورش ترکان غز که ورود بیگانگان به کشورمان رقم خورد و از پی غزنویان سلجوقیان ترك سپس خوارزمشاهیان و مغولان و ایلخانان و تیموریان و صفویه و افشاریه و قاجاریه که به ترکی مغولی و ترکی سخن می‌گفتند. با این همه زبان فارسی هیچ گاه از تابش و درخشش نیفتاد و همچون گوهری بر چکاد زبان‌های دیگر نشسته. شگفتا پس از گذشت این همه سده این زبان بکر و دست‌نخورده مانده و همه نیازهای ما را با رسایی‌اش برطرف می‌کند، در حالی که یك انگلیسی اگر بخواهد شعرهای «پدر زبان انگلیسی جفری چوسر» را بخواند باید آن را ترجمه کند تا بفهمد!

نظر رهبری درباره زبان فارسی

برگردیم به آغاز سخن! پس از سخنان مقام معظم رهبری در ضرورت و بایستگی پاسداشت زبان فارسی، اکثر مبادی و سازمان‌هایی که به نوعی با زبان فارسی سروکار دارند به تلقی امیراسماعیل آذر از خواب غفلت بیدار شدند و برآنند که در تقویم و تحکیم این میراث ارجمند کاری بکنند اما هنوز هم مشکل بنیادین همان است که سعدی هم بدان اشاره کرده است: ندهد هوشمند روشن‌رای/ به فرومایه کارهای خطیر/ بوریاباف اگرچه بافنده‌ست/ نبرندش به کارگاه حریر. یعنی به قول قدیمی‌ها باید در این مهم کار را به کاردان سپرد. خوشبختانه با تشکیل شورایی در صداوسیما با شرکت بلندپایگان و کارشناسان زبان و ادب فارسی قرار است اتفاقات مبارکی بیفتد [خارج از این مصاحبه بخوانید و بدانید که نماینده فرهنگستان زبان و ادب فارسی در جلسات شورای یادشده در زمینه زبان انگلیسی تحصیل کرده نه زبان و ادب فارسی!] شورای یادشده برای پاسداشت زبان فارسی با بهره‌گیری از اندیشمندان و صاحب‌نظران، بهترین راهکارها را گزین و کاربردی خواهدکرد که از آن جمله تذهیب زبان و جلوگیری از غلط‌خوانی و تذکر به مجریان و دست‌اندرکاران در این باره و برخورد جدی (جلوگیری از حضور در برنامه و پخش) در صورت تکرار غلط‌خوانی یا ابراز جملات نادرست و نارسا یا کاربرد واژه‌های بیگانه و مانند اینهاست. همچنین بازآموزی و دانش‌افزایی مدیران تا دست‌اندرکارانی است که به نحوی با زبان فارسی سروکار دارند.

سخن آخر: از بن دل از روزنامه جام‌جم و گزارشگر مرتبط با این مصاحبه که خود دانش بسزایی در این زمینه داشتند جدا سپاسگزاری خود را اعلام می‌نمایم.

پشت صحنه

شیرینی با طعم روابط دیپلماتیك

چه روزی بود. برگزیدگان گروه فرهنگ و هنر در جشنواره رسانه با نهایت فروتنی و البته دست خالی! بله دست خالی پا به تحریریه گذاشتند. محمدصادق علیزاده که دیروز در غیاب صابر محمدی جایزه او را هم دریافت کرده بود، طی حرکتی دیپلماتیك و میان تشویق‌های از فاصله چند فرسخی با او دست داد و خبرنگار گروه دوست همسایه، فاطمه شهدوست هم با دوربین این لحظات حساس را ثبت کرد.

بعدش هم چند ساعتی میان کار و اصرارهای مداوم نگارنده محمدی بالاخره تسلیم شد و رفت شیرینی عروسی خواهرش را خرید، البته تلاش و همراهی استاد مظاهری را فراموش نمی‌کنیم. برای چه؟ برای رساندن محمدی به شیرینی‌فروشی، فریب دادنش برای دست بردن در جیب و بیرون کشیدن اسکناس و مهم‌تر برگرداندن او به تحریریه بدون خورده شدن شیرینی‌ها...

خلاصه خودتان ببینید مظاهری چه وظایف خطیری بر عهده داشته و بی‌دم زدن و گلایه هم به انجامشان رسانده. از حالا هم بگوییم شنبه عصر مهمان محمدی و علیزاده هستیم. قرار است شیرینی این برگزیده شدن را هم در قالب یك عصرانه مفصل روی میز گرد گوشه تحریریه بیاورند. حالا البته ببینیم و تعریف کنیم!

و اما صفحات امروز... اول از همه شروع کنیم از علی رستگارمان که سخت مشغول کند و کاو در خبرهای جشنواره فیلم فجر است. هر چند هنوز اعلام نشده کدام فیلم‌ها برای حضور در سی و هشتمین دوره جشنواره که امسال بهمن‌ماه است فرم ثبت‌نام را پر کرده‌اند، اما استاد علی نشسته و براساس اخبار تولید فیلم‌های سینمایی طی سال گمانه‌زنی‌هایی کرده که در آنها چهره‌های برجسته هم حضور دارند. طبق گزارش همکارمان داریوش مهرجویی، مسعود کیمیایی، ابراهیم حاتمی‌کیا، حمید نعمت‌ا...، بهروز شعیبی و محمدحسین مهدویان امسال در جشنواره خواهند بود. البته رستگار چند دوره دیگر جشنواره را که تعداد زیادی کارگردان چهره در آن حضور داشته‌اند بررسی کرده و درباره این دوره حدس‌هایی زده است.

در صفحه ۱۰ آذر مهاجر رفته سراغ پاییزه کتاب تا ببیند مردم چقدر کتاب خریده‌اند و این سطح امسال چه سرانجامی داشته است. ضمن این‌که این طرح تمدید هم شده و می‌توانید بروید سراغ خرید کتاب.

در همین صفحه ۹ هم آقای مظاهری با دکتر امیر اسماعیل آذر گفت‌وگویی کرده مبسوط و خواندنی. همین حالا که بنده دارم شیرینی عروسی خواهر استاد محمدی را نوش جان می‌کنم آقای مظاهری در حال تنظیم مطلب برای صفحه است. چه کرده امروز با ما این همکار بامرام.

در صفحه ۱۲ هم سینمای جهان و کیکاووس خان زیاری. از هالیوود تا بالیوود یك جا جمع شده و شما را به خود می‌خواند. بفرمایید، نوش جان.